

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۳

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۷

تحلیل مفهومی اصطلاح «ظهور صغری» با رویکرد نقد آراء مطروحه

مجتبی خانی^۱

چکیده

این مقاله به نقد و بررسی اصطلاح نو ظهور «ظهور صغری» می‌پردازد. چنانچه خواهد آمد این اصطلاح صرف نظر از اشکال ادبی آن، یک برداشت شخصی و ذوقی است که در احادیث پیشوایان معصوم نمی‌توان برای آن شاهی یافت. به علاوه این برداشت و به طور کلی این نوع نگاه به مباحث مهدویت می‌تواند آسیب‌زا هم باشد چنان‌که تاریخ و تجربه آن را به اثبات می‌رساند. ما بر آنیم که با تکیه بر مستندات روایی، معنایی قابل قبول از این اصطلاح ارائه دهیم. این معنی «ظهور محدود و نافراگیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پس از خروج سفیانی و ندای آسمانی» است که به منظور فراهم آوردن مقدمات ظهور فراگیر و عمومی و به اصطلاح «ظهور اکبر» صورت می‌پذیرد. روش گردآوری داده‌ها در این نوشته کتابخانه‌ای و روش تحقیق در آن توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی:

ظهور، ظهور صغری، ظهور اصغر، ظهور اکبر، غیبت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف.

۱. پژوهشگر مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (mojtabakhani455@gmail.com).

مقدمه

اصطلاح «ظهور صغری» برای اولین بار توسط میرزا آقاخان کاشانی از مبلغان به نام بابیت به کار برده شد. وی در کتاب *نقطه الکاف* برای نخستین بار از این اصطلاح رو نمایی کرد (میرزا آقاخان کاشانی، بی تا: ۶۱-۶۳). اما در سال‌های اخیر این ترکیب کاربرد بیشتری پیدا کرده و بر مصادیق مختلفی حمل شد. این اصطلاح با عناوین دیگری مانند «ظهور اصغر»^۱ در برابر «ظهور اکبر» و «ظهور مستور»^۲ در برابر «ظهور معلوم» و «ظهور اوّلی» (الصغیر، ۱۴۳۲: ج ۲، ۳۷۶) در برابر «ظهور نهایی» نیز نمایان شد. مقصود ایشان بیشتر «ظهور نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و «ظهور برخی آثار دولت ایشان البته فی الجمله مانند عدالت و... با انقلاب اسلامی ایران» بود. حتی برخی ظهور صغری را امری ضروری دانسته و گفته‌اند:

اما به قاعده نظم توحید که نظم الله می باشد ادله آن است که هم چنان که برای آن سرور امکان غیبت صغری و غیبت کبری بوده لهذا لازم است که ظهور صغری و ظهور کبری نیز داشته باشد... و دلیل آفاقی نیز شاهد بر این مقال می باشد زیرا که در طلوع و غروب شمس هرگاه ملاحظه گردد غروب صغری دارد که قرص شمس از نظرها غائب گردد ولی حمّرت او در اطراف آفاق باقی است و بعد از ساعتی نیز حمّرت مشرقیه نیز غائب گردد همچنین است حکم در طلوع زیرا که اول صبح صادق طالع گردد و بعد از آن قرص شمس ظاهر شود... (میرزا آقاخان کاشانی، بی تا: ۶۱)

همان طور که برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک غیبت صغرا و یک غیبت کبرا است، یعنی درست مانند آفتاب، وقتی می خواهد پنهان شود، ابتدا، قرص خورشید پشت افق پنهان می شود، ولی هوا نیمه روشن است، و کم کم، این روشنایی برچیده می شود و تاریک می شود؛ برای ظهورش هم یک ظهور صغرا و یک ظهور کبرا است، مانند موقعی که آفتاب می خواهد طلوع کند، قرص خورشید پیدا نشده، اما هوا نیمه روشن است و بعد خورشید دیده می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۵)

بعضی نیز تشبیه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خورشید در روایات (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۵۳)^۳ را دلیل بر این تفسیر دانسته، غیبت و ظهور ایشان را به مانند غروب و طلوع خورشید گرفته و از

۱. آیت الله شیخ علی کورانی در مصاحبه‌ای این اصطلاح را به برخی نسبت می دهد.

۲. آقای عبدالامیر الرکابی یکی از نویسندگان مجله «معارج الفکر» (عربی) مقاله‌ای کوتاه در این باره منتشر کرده است.

۳. تشبیه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات به خورشید را می توان در سه دسته از روایات با مضامین ذیل یافت: الف) به کار بردن تعبیر خورشید و خورشید طلوع کننده در مورد معصومان علیهم السلام؛ ب) تشبیه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طلوع خورشید؛ ج) تشبیه غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (امام غایب) به خورشید پشت ابر (ورمزیار، ۱۳۹۵: ۹۱-۹۴).

این رو وقوع ظهور اصغر برای حضرتش را ضروری تلقی می کنند. (السادة، ۱۳۸۳: ۱۴)

ما گرچه ضرورت وقوع ظهور اصغر برای حضرت و فراهم آوردن مقدمات قیام اکبر را انکار نمی کنیم چرا که ظهور و قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف معجزه نبوده و به شکل عادی واقع می شود (سبحانی نیا، ۱۳۸۸: ۱۶) ولی روشن است که مدعاهایی این چنین، صرفاً برداشت هایی ذوقی - سلیقه ای و بدون مستندات لازم بوده و حتی تشبیه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به خورشید نیز نمی تواند دلیل بر این مدعا باشد چرا که در تشبیه یک شیء به دیگری نمی توان تمام خصوصیات مشبّه به را برای مشبّه اثبات کرد؛ به علاوه این وجه شبه می تواند امور دیگری نیز مانند فراگیری نور عدالت، علم و... باشد. همچنین این برداشت های ذوقی - سلیقه ای ممکن است آسیب هایی را در حوزه مهدویت به دنبال داشته و خسارات جبران ناپذیری را منجر شود. چنان چه می آید این اصطلاح در یک بررسی معنی شناسانه می تواند احتمالات عدیده ای داشته باشد که تنها یکی از آن ها قابل قبول و از منظر روایات قابل دفاع است.

این پژوهش بر سه مبنای زیر استوار بوده و به عبارت دیگر این سه مبنا از پیش فرض های پژوهش حاضر است:

۱. ظهور نهایی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف در ماه محرم (روز عاشورا) اتفاق خواهد افتاد. مستند این مبنا روایات بی شماری است که در منابع مهدوی آمده است. (شیخ طوسی، ۱۳۷۵: ج ۴، ۳۰۰)
۲. ظهور نهایی حضرت پس از تحقق تمامی علائم ظهور خواهد بود. در روایات مهدوی پنج علامت به عنوان علائم حتمی ظهور معرفی شده اند که تمامی آن ها قطعاً پیش از ظهور واقع خواهند شد و ظهور حضرت پس از آن رخ خواهد داد. پنج علامت یاد شده عبارتند از: سفیانی، یمانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۹، ح ۱)^۱
- احتمال وقوع بدا در علائم حتمی نیز گرچه در برخی از روایات بدان اشاره شده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ج ۳۰۲، ح ۱۰)^۲ اما به معنی وقوع آن نیست و این احتمال در حد همان احتمال باقی خواهد ماند چرا که با حتمیت وقوع علائم سازگار نیست. به عبارت

۱. عن ابی عبدالله الصادق عليه السلام قال خمس قبل قیام القائم: الیمانی و السفیانی و المنادی ینادی من السماء و خسف بالبیداء و قتل النفس الزکیه.

۲. عن ابی هاشم الجعفری قال: کنا عند ابی جعفر محمد بن علی الرضا عليه السلام فجری ذکر السفیانی و ما جاء فی الروایة من ان امره من المحتوم، فقلت لابی جعفر عليه السلام: هل یبدو لله فی المحتوم؟ قال: نعم. قلنا له: فنخاف ان یبدو لله فی القائم. فقال: ان القائم من المیعاد و الله لا یخلف المیعاد.

دیگر بدا در علائم حتمی امکان عقلی دارد اما تحقق خارجی پیدا نخواهد کرد (آیتی، ۱۳۹۰: ۲۹) همچنین تحقق خارجی بدا در علائم ظهور به معنی کذب سخن معصومین علیهم‌السلام تلقی خواهد شد.

شهید سید محمد صدر در این باره می‌نویسد:

... اگر پیش از تحقق شرائط و نشانه‌ها ظهور انجام گیرد، لازم می‌آید که مشروط پیش از آن که شرطش وجود یابد تحقق پذیرد... و همچنین علاماتی که درستی آن محرز شده است، دروغ از کار در آید. (صدر، ۱۳۸۲: ۴۸۹)

۳. اتحاد ظهور نهایی و قیام امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. به طور کلی در این مبنا دو نظر وجود دارد: اتحاد و جدایی. نگارنده فی الجمله نظریه اتحاد را پذیرفته و کوشیده است بین این دو نظر جمع کند. ادله این دو نظر به تفصیل خواهد آمد.

معنی‌شناسی

آن‌چه در این مقاله، مهم بوده و از مبانی بحث در آن به شمار می‌رود واکاوی مفهومی سه واژه «ظهور»، «قیام» و «خروج» است. ابتدا این سه واژه را از منظر لغت بررسی کرده و در ادامه با تکیه بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام مقصود اصطلاحی از این سه واژه را آشکار می‌سازیم.^۱

ظهور

ظهور در لغت به معنای آشکار شدن امر مخفی و پیروزی و اطلاع بر آن آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ۳۷)^۲ و بنابر بیان *مقاییس اللغة*، «ظهر» اصلی است که بر بروز و قوت دلالت دارد از این رو وقت زوال خورشید را ظُهر گفته‌اند چرا که بارزترین و آشکارترین اوقات روز است و شتر قوی و انسان مددکار را ظهیر نامیده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۲۲: ۶۱۸-۶۱۹)^۳

در اصطلاح به ظاهر شدن حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پس از یک دوران پنهان زیستی طولانی،

۱. در این بخش از مقاله استاد خدامراد سلیمیان با عنوان «تبارشناسی واژگانی ظهور امام مهدی در منابع اسلامی» بسیار استفاده شد. (سلیمیان: ۱۳۹۵)

۲. و الظُّهُورُ: بدو الشيء الخفی؛ و الظُّهُورُ: الظُّفْرُ بالشیء و الاطلاع علیه... (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ۳۷)
۳. ظهر: أصل صحیح واحد یدلّ علی قوة و بروز، من ذلك ظهر الشيء یظهر ظهوراً، فهو ظاهر، إذا انكشف و برز، و لذلك سمی وقت الظهر و الظهيرة، و هو أظهر أوقات النهار و أضوؤها، و الأصل فيه كله ظهر الإنسان و هو خلاف بطنه، و هو یجمع البروز و القوة. و یقال للركاب (بالکسر الإبل التی یسار علیها، واحدتها راحلة) الظهر، لأنّ الذی یحمل منها الشيء ظهورها. و یقال رجل مظهر، أى شدید الظهر. و رجل ظهر: یشتکی ظهرة. و من الباب أظهرنا إذا سرنا فی وقت الظهر. و منه ظهرت علی کذا إذا اطلعت علیه. و الظهیر: البعیر القویّ. و الظهیر: المعین، كأنّه أسند ظهرة الی ظهرك.

برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی معنا شده است. (سلیمیان، ۱۳۸۷: ۲۹۹).^۱

قیام

این واژه به معنای ایستادن و برابر معنای نشستن است. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ج ۵، ۳۴۵؛ طریحی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۱۵۳۱) و در اصطلاح، عبارت است از: نهضت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه برابر ستمگران، برای برپایی قسط و عدل در سراسر کره زمین. (سلیمیان، ۱۳۹۵: ۱۰)

خروج

«خروج» در لغت، نقیض «دخول» به معنای بیرون شدن (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ۱۵۸؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۳۵؛ طریحی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۵۰۱) و در اصطلاح، به معنای ظهور یا قیام است. (سلیمیان، ۱۳۹۵: ۱۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۱)

البته بررسی ها نشان می دهد «خروج» در روایات و سخنان دانشمندان دینی، بیشتر همان قیام است؛ نعمانی در *الغیبه* روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الیه خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَدَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۷)

هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الیه خروج کند کسی که خود را از اهل این امر می پنداشته از این امر خارج خواهد شد و (به عکس) افرادی چون خورشید پرستان و ماه پرستان داخل در آن می گردند.

و یا در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ؛ (عیاشی،

۱. عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَائِلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الیه وَقَدْ أَسْتَدَّ ظَهْرُهُ إِلَى الْحَجَرِ ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهُ حَقَّهُ ثُمَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يَخَاجِنِي فِي اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِاللَّهِ، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يَخَاجِنِي فِي آدَمَ فَأَنَا أَوْلَى بِآدَمَ، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يَخَاجِنِي فِي نُوحٍ فَأَنَا أَوْلَى بِنُوحٍ، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يَخَاجِنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى بِإِبْرَاهِيمَ، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يَخَاجِنِي فِي مُوسَى فَأَنَا أَوْلَى بِمُوسَى، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يَخَاجِنِي فِي عِيسَى فَأَنَا أَوْلَى بِعِيسَى، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يَخَاجِنِي فِي مُحَمَّدٍ فَأَنَا أَوْلَى بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ يَخَاجِنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى بِكِتَابِ اللَّهِ، ثُمَّ يَنْتَهِي إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ وَيَنْشُدُ اللَّهُ حَقَّهُ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيكْشِفُ الشُّوْءَ - وَيجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ» فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَتَابِعُهُ جَبْرِئِيلُ ثُمَّ الثَّلَاثُمِائَةِ وَالثَّلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا - فَمَنْ كَانَ ابْتُلِيَ بِالْمَسِيرِ وَاقَاهُ - وَمَنْ لَمْ يَبْتَئِلْ بِالْمَسِيرِ فَقَدْ عَنِ فِرَاشِهِ. (قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۰۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۱)

(۱۳۸۰: ج ۲، ۸۷)

آن گاه که قائم خروج کند هیچ مشرک و کافری نباشد که از خروج او اکراه داشته باشد.

و یا در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود:

لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَةٍ...؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۴)

چون قائم آل محمد خروج کند هر آینه خداوند او را با فرشتگان یاری دهد.

از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمود:

... وَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى وَعَلَيْهِ السَّلَامُ فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ... (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱،

۳۲۷)؛

اما شباهت او به جدشان رسول اکرم صلی الله علیه و آله خروج او با شمشیر است.

شیخ صدوق در کتاب خود برای روایات قیام، این عنوان را قرار داده است:

«باب علامات خروج القائم» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ج ۱، ۳۰۳) و «ما روی فی علامات

خروج القائم». (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۹)

البته در برخی روایات "خروج" به معنای "ظهور" آمده است:

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمود:

لَوْ خَرَجَ الْقَائِمُ لَقَدْ أَنْكَرَهُ النَّاسُ...؛ (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۲۰)

چون قائم ظهور کند، مردم منکروى می شوند....

و نیز فرمود:

وَإِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْيَانِي مِنَ الشَّامِ...؛ (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱،

۳۲۸)

و از نشانه های خروج (ظهور) او خروج سفیانی از شام است.

به امام رضا علیه السلام گفته می شود:

مَا عِلَامَاتُ الْقَائِمِ مِنْكُمْ إِذَا خَرَجَ؛

نشانه های قائم از شما چیست آن گاه که خروج (ظهور) کند؟

حضرت فرمود:

قَالَ عِلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمُنْتَظَرِ...؛ (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۲)

نشانه او آن است که از نظر سن پیر و از نظر چهره جوان است.

یک بررسی مهم^۱

مسئله مهمی که باید بررسی شود این که آیا ظهور و قیام و خروج به یک معنی هستند و همگی بر یک بازه زمانی خاص دلالت دارند و یا قیام و خروج مرحله‌ای پس از ظهور خواهند بود؟ چنانچه خواهد آمد پاسخ به این سؤال کلید حل اشکال عمده‌ای است که ممکن است نسبت به دلالت برخی ادله مطرح شود. دو احتمال در مسئله هست: وحدت ظهور و قیام و خروج؛ قیام مرحله پس از ظهور.

ادله وحدت ظهور و قیام و خروج

الف) اتحاد «ظهور» و «قیام» در برخی روایات

امام باقر علیه السلام در بخشی از یک روایت می‌فرماید:

...الإمام يَبْشُرُهُمْ بِقِيَامِ الْقَائِمِ وَيُظْهِرُهُ وَيَقْتُلُ أَعْدَائِهِمْ؛ (نک: نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۷؛ قی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۰۴)

ب) اتحاد ظهور و قیام در کلمات برخی از علما

به نظر می‌رسد برخی در کلمات برخی از علما از اندیشمندان بزرگ شیعه بین ظهور، قیام و خروج، تفاوتی قائل نبوده از این رو گاهی نشانه‌ها به ظهور و گاهی به قیام و یا خروج نسبت داده شده است.

نعمانی عنوان باب چهاردهم/الغیبه را این گونه نهاده است:

ما جاء في العلامات التي تكون قبل قيام القائم عليه السلام ويدل على أن ظهوره يكون بعدها كما قالت الأئمة عليهم السلام.

شیخ مفید در بابی با نام «باب ذکر علامات قیام القائم عليه السلام و...» نشانه‌ها را مربوط به قیام دانسته است. (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۶۸) همو در جایی دیگر به طور روشن نشانه‌ها را مربوط به ظهور دانسته می‌نویسد:

۱. مطالب ذیل این عنوان نیز از مقاله استاد خدامراد سلیمیان استفاده شد البته روایات مطرح شده توسط ایشان در این بخش پالایش شده و نقدی نیز بر آن افزوده گردید؛ ضمناً سعی شد وجه جمعی بین دو دسته از روایات ارائه شود.

فإنّا نقول: إنّ الأخبار قد جاءت عن أئمة الهدى من آباء الإمام المنتظر عجل الله تعال فرجه الشريف بعلامات تدلّ عليه قبل ظهوره، و... (همو، ۱۴۲۶ق: ۱۰۹)

این در حالی است که شیخ طوسی نشانه‌ها را به خروج نسبت داده نوشته است: «ذكر طرف من العلامات الكائنة قبل خروجه عجل الله تعال فرجه الشريف». (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۳)

طبرسی نخست با عنوان «الباب الرابع في ذكر علامات قيام القائم و...» به قیام و پس از آن با عنوان «الفصل الأول في ذكر علامات خروجه» به خروج منسوب کرده است. (طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۲۷۷)

سید بن طاووس با عنوان «الباب ۱۶۸ فيما ذكره نعيم من علامات المهدي» نشانه‌ها را به مهدی نسبت داده است. (سید بن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۶۱)

مقدسی ضمن انتساب نشانه‌ها به ظهور به پیش از ظهور بودن نیز تأکید کرده است. (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶ق، ۱۵۳) اربلی در *كشف الغمة*، نشانه‌ها را مربوط به قیام دانسته می‌نویسد:

باب ذكر علامات قيام القائم عجل الله تعال فرجه الشريف و... (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۵۷)

نبلی نجفی در *منتخب الأنوار المضیئة في ذكر القائم الحجة* عجل الله تعال فرجه الشريف، عنوان فصل یازدهم را «في ذكر علامات ظهوره» گذاشته است. (نبلی نجفی، ۱۳۶، ۱۷۴)

مرعی بن یوسف کرمی در *فرائد فوائد الفكر في الإمام المهدي المنتظر* عجل الله تعال فرجه الشريف، به طور روشن نشانه‌ها را مربوط به ظهور دانسته چنین می‌نویسد:

الباب الثالث في علامات ظهوره؛ اعلم أنّ لظهور المهدي علامات جاءت بها الآثار، و الأحاديث، والأخبار. (کرمی، ۱۴۲۷ق: ۲۵۵)

شیخ حر نیز در *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، باب سی و چهارم کتاب را با عنوان «صفات الإمام و علاماته و علامات خروج المهدي عجل الله تعال فرجه الشريف» نشانه‌ها را مربوط به خروج ذکر کرده است. (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۳۴۲)

البته این انتساب نشانه‌ها به قائم، قیام، ظهور و خروج در دوران معاصر نیز به پیروی از گذشتگان هم‌چنان ادامه داشته و به نظر می‌رسد ظهور، قیام و خروج یک پدیده تلقی شده است. (عراقی، ۱۳۸۳ش: ۵۲۱؛ یزدی حائری، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۵۳؛ کاظمی، بی‌تا: ۱۳)

رواج استعمال واژه ظهور در دوران معاصر سبب شده تا ترکیب‌های دیگر به ندرت به کار رود.

(اصفهانى، ۱۴۲۸: ج ۲، ۲۱۲؛ صدر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۴۳۶)

ج) معقول نبودن جدایی ظهور و قیام و خروج

جدایی ظهور و قیام و خروج به معنی وجود فاصله زیاد میان ظهور و قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه معقول نیست چرا که با علنی شدن قیام جهانی حضرت و آگاهی دشمنان بی شمار ایشان دیگر مجالی برای تاخیر نیست و حضرت باید بلافاصله قیام را آغاز کند.

ادله قیام، مرحله پس از ظهور

الف) مفاد برخی روایات

روایت کلینی

محمد بن یعقوب کلینی (د/۳۲۹ق) از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند عزوجل: «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ»؛ پس چون در صور دمیده شود؛ (مدثر: ۸) با ذکر سند نقل کرده است که:

إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُّظَفَّرًا مُّسْتَبْرَأً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۳۴۳، ح ۳۰)؛

همانا امام پیروز و پنهان از ما خاندان است که چون خدای - عز ذکره - اراده کند که امر او را آشکار سازد، در دلش نکته ای می گذارد، پس ظاهر می شود و سپس به امر خدای تبارک و تعالی قیام کند.

استفاده از حرف «فاء» در «فقام» می تواند چنین برداشتی را بیشتر به ذهن نزدیک کند که قیام پس از ظهور است.

روایت اول صدوق

فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا اكْمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۷، ح ۲)؛

و چون این شمار از اهل اخلاص به گرد او فراهم می آیند، خدای تعالی، امرش را آشکار سازد (ظهور کند) و چون عقد - که عبارت از ده هزار مرد باشد - کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام می کند و دشمنان خدا را می کشد تا خدای تعالی خشنود گردد.

روشن است در این روایت، «اظهار امر» و «خروج» متفاوت است؛ مقصود از بخش نخست، ظهور و از بخش دوم، قیام و خروج است.

روایت دوم صدوق

إِذَا خَرَجَ أَشْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا وَأَوَّلُ مَا يُنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيْتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتُهُ وَحُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يَسْلِمُ عَلَيْهِ مُسْلِمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعُقَدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ... (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۳۰، ح ۱۶)؛

آن هنگام که قائم ما خروج کند، به خانه کعبه تکیه زند و سیصد و سیزده مرد به سوی او گرد آیند و اولین سخن او این آیه قرآن است: بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، سپس می‌گوید: منم "بقیه الله" در زمین و منم خلیفه خداوند و حجت او بر شما و هر درود فرستنده‌ای به او چنین سلام گوید: السَّلام عليك يا بقية الله في أرضه! و چون برای بیعت ده هزار مرد به گرد او اجتماع کنند خروج خواهد کرد. پس در زمین هیچ معبودی جز الله باقی نخواهد ماند و....

و در این روایت نیز سخن از دو خروج به میان آمده که می‌توان یکی را ظهور و دیگری را همان قیام دانست. چراکه نمی‌توان هر دو خروج به معنای ظهور گرفت به این بیان که وقتی حضرت آشکار شد معنا ندارد بار دوم نیز آشکار شود. و در این که خروج نخست نیز به معنای ظهور است نیز حرفی نیست بنابراین خروج دوم بر دو مصداق می‌تواند حمل شود نخست خارج شدن از مکه و دیگر قیام و البته هر دو نیز می‌تواند باشد، یعنی آغاز قیام با خارج شدن از مکه.

ب) خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف شبیه خروج پیامبر صلی الله علیه و آله

افزون بر روایات یاد شده، از روایاتی که خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را مانند خروج رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دانسته است در این باره امام صادق ع فرمود:

وَخُرُوجُهُ عجل الله تعالی فرجه الشريف كَخُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۹۸، ح ۹؛ ۱۹۹: ۱۴، ح ۲۴۳؛ ۴۳)

از این تشبیه استفاده می‌شود، حضرت پیش از قیام فراگیر و جهانی خود آشکار شده و ضمن ابلاغ رسالت خویش برای قیام برابر دشمنان اتمام حجت بر حقانیت خود می‌کند، چراکه یک فاصله زمانی مناسبی بین بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مبارزه آن حضرت با کفار و مشرکان وجود داشته که در آن فاصله پیامبر به بیان دستورات الهی و اتمام حجت بر دشمنان اقدام فرمود. بدین معنا که اعتماد آنها را بر حق بودن خود به دست آورد. (سلیمان، ۱۳۹۵)

نقد این دلیل

چنانچه معروف و مشهور است در تشبیه ادنی مناسبت کافی است. بنابراین یک تشبیه به معنی رعایت تمام وجه شبه‌ها و یا یک وجه شبه خاص نیست. چه بسا مراد قیام حضرت با سیف مراد باشد کما این که در روایت هست:

وَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى ﷺ فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ... (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۷)

ج) نپذیرفتن توبه پس از آغاز قیام

از دیگر شواهد بر تأخر قیام بر ظهور روایاتی است که در آن گفته شده کسانی که تا آغاز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وی ایمان نیاورده‌اند اگر چنانچه با آغاز قیام ایمان بیاورند آن ایمان سودی برای آن‌ها نخواهد داشت. از امام صادق علیه السلام درباره آیه: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ»؛ روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد. (انعام؛ آیه ۱۵۸)؛ سؤال شد فرمود:

الْآيَاتُ هُمُ الْأَيُّمَةُ وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ ﷺ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ مِنْ تَقَدُّمِهِ مِنْ آبَائِهِ ﷺ. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۰ و ۱۸)

روشن است اگر قیام همان ظهور دانسته شود معنای روایت آن است که هرگاه حضرت ظهور کرد دیگر ایمان از کسی پذیرفته نیست؛ در حالی که کسی چنین نگفته، و حضرت پس از عرضه ایمان بر مخالفان و اتمام حجت با آنان، به قیام جهانی خود خواهد زد. (سلیمیان، ۱۳۹۵)

دیدگاه نگارنده

به نظر می‌رسد بتوان بین دو دیدگاه جمع کرد بدین بیان که قیام و خروج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مرحله‌ای پس از ظهور ایشان خواهد بود اما نمی‌توان برای آن فاصله بسیاری قائل شد و وجود فاصله زیاد میان ظهور و قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معقول نیست چرا که با علنی شدن قیام جهانی حضرت و آگاهی دشمنان بی‌شمار ایشان دیگر مجالی برای تاخیر نیست و حضرت باید بلافاصله قیام را آغاز کند.

با این بیان هم جدایی و هم وحدت ظهور و قیام قابل پذیرش است یعنی به دلیل آن که این جدایی مختصر بوده و طولی نداشته از تعبیر بعضی روایات و برخی کلمات بزرگان وحدت ظهور و قیام استفاده می‌شود.

ظهور صغری

حال پس از بیان معنای لغوی و مبانی بحث، به احتمالات ممکن در تبیین اصطلاح «ظهور صغری» می‌پردازیم:

۱. ظهور نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر حاضر

در ظهور صغری، توجه مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زیاد می‌شود و همه جا، صحبت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و جلسات امام زمان ع، پرشور می‌شود و بحث‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه جا را می‌گیرد و وضع طوری می‌شود که مردم تشنه و آماده می‌شوند... اگر می‌خواهیم به آن ظهور (ظهور کبری) کمک کنیم، این ظهور صغری را توسعه دهیم، ... نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به همه دنیا برسانیم و این ظهور صغری را پررنگ کنیم تا نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه جلسات، حضور پیدا کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۵)

ابطحی در مقدمه کتاب ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌نویسد:

همان طوری که غیبت کبری باید غیبت صغری داشته باشد و همان طوری که غروب خورشید باید تا یکی دو ساعت بعد از آن هوا روشن باشد، همچنین ظهور با عظمت حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - که می‌خواهد، تمام مردم دنیا را زیر پوشش حکومت واحد جهانی بکشد، نمی‌تواند مقدماتی و به اصطلاح «ظهور صغرائی» که زمینه‌ساز «ظهور کبری» است نداشته باشد.

وی در ادامه از استاد خود این چنین نقل می‌کند:

از سال ۱۳۴۰ هجری قمری که استعداد های افراد بشر ظهور کرده؛ نام مقدس آن حضرت صدها برابر از قبل میان مردم به وسیله نام گذاری های اماکن مقدسه و غیره ظهور کرده... و خلاصه همه و همه آنها دلیل بر این است که آن چنان که خورشید در وقت طلوعش يك ساعت و نیم الی دو ساعت هوا را روشن می‌کند و نامش را طلوع فجر می‌گذاریم، همچنین این زمان که کاملاً هوا روشن شده و نور مقدس حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف عالم را منور کرده و صبح پیروزی اسلام بر تمام مذاهب جهان طلوع کرده، نامش را «ظهور صغری» باید گذاشت. (ابطحی، بی‌تا: ۱۰-۱۱)

شاید حدیثی که سید بن طاووس از نعیم بن حماد نقل می‌کند پایه‌ای برای طرح یک چنین

مطلبی بوده است؛

حَدَّثَنَا نَعِيمٌ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ وَرَشْدِينَ عَنْ ابْنِ لُحَيْعَةَ عَنْ أَبِي قَبِيلٍ عَنْ أَبِي رُومَانَ عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ: «إِذَا نَادَى مُنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ، وَيَشْرَبُونَ حَبَّهُ، فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ» (سیدین طاوس، ۱۴۱۶ق: ۱۲۹)؛
زمانی که ندای آسمانی برآید که حق در آل محمد است نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بر زبان مردم ظاهر و جاری خواهد شد به گونه‌ای که لحظه‌ای از ذکر او غافل نشده و غیر او را نخوانند.

اگر ما از اشکالاتی که متوجه اعتبار کتاب نعیم است چشم‌پوشی کنیم^۱ این حدیث بر ظهور نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بر زبان مردم به هنگام ندای آسمانی دلالت دارد که از نشانه‌های حتمی ظهور بوده و در آستانه ظهور اتفاق می‌افتد. یعنی زمانی که ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بشارت داده شد همه از مهدی می‌گویند و او را می‌خوانند نه این که هر زمانی که همه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را بخوانند به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نزدیک شده‌ایم و در آستانه ظهورش هستیم.

۲. ظهور حکومت ولی فقیه و انقلاب اسلامی

چنان‌چه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف صغری و کبری دارد، ظهور آن حضرت هم می‌تواند صغری و کبری داشته باشد و انقلاب اسلامی ایران را می‌توان نماد ظهور صغری و زمینه ساز ظهور آن امام همام دانست. پیش از انقلاب ایران پذیرش یک حکومت دینی و فراگیر به رهبری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف برای بسیاری بعید می‌نمود؛ اما امروز این مهم هیچ دور از واقع نیست، از این رو می‌توان انقلاب اسلامی ایران را مظهر ظهور صغری و بستری برای تحقق و اتصال به قیام کبرای آن حضرت دانست. (پورسیدآقای، ۱۳۸۰: ۶)

معلى می‌نویسد:

اگر زمان انتخاب نواب خاص را که واسطه مستقیم علم و هدایت حضرت حجت بوده‌اند، زمان غیبت صغری بنامیم، عصر حکومت و ولایت نائب عام آن حضرت را می‌بایست دوران ظهور صغرای آن حضرت بخوانیم. (معلى، ۱۳۸۶)

علی یعقوبی یکی از سران جریان‌های انحرافی اخیر نیز می‌گوید:

۱. برای مطالعه بیشتر درباره اعتبار کتاب نعیم رک: الفتن ابن حماد قدیمی‌ترین کتاب در مهدویت، نوشته مصطفی صادقی، مجله آیین پژوهش، ۱۳۸۲، شماره ۸۴.

طبق برنامه ملک، ابتدا باید شب کامل واقع شود و سپس بین الطلوعین و سسپس طلوع خورشید صورت گیرد... طبق برنامه ملک، بعد از شب کامل، مطلع فجر و بین الطلوعین خواهد بود و این ماجرا در زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف واقع می‌شود که ما اعتقاد داریم از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران این ماجرا شروع شده است و در حال حاضر در بین الطلوعین به سر می‌بریم. (حجّامی، ۱۳۹۵: ۳۴۰)^۱

وی در دو کتاب و به اصطلاح جزوه‌های آموزشی خود به نام‌های *نظام عالم* (جلسه ۹) و به *سوی ظهور* (جلسه ۱۸) به صراحت اصطلاح ظهور صغری را به کار برده و برانقلاب اسلامی ایران تطبیق می‌کند. (یعقوبی، بی‌تا(الف): جلسه ۱۸؛ یعقوبی، بی‌تا(ب): جلسه ۹)

۳. اکتشافات و رشد صنایع بشری

مدعی این معنی بر این باور است که هر چند در این زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و دولت ایشان رخ نداده ولی برخی از آثار ظهور دولت مهدوی مانند رشد اقتصادی و رفاه و... به وقوع پیوسته و این به معنای ظهور صغری امام است. ابطحی به نقل از استاد خود می‌گوید:

اکتشافات و صنایعی که شبیه به معجزات آن حضرت است ظهور کرده... خلاصه همه و همه آنها دلیل بر این است که آن چنان که خورشید در وقت طلوعش يك ساعت و نیم الی دو ساعت هوا را روشن می‌کند و نامش را طلوع فجر می‌گذاریم، همچنین این زمان که کاملاً هوا روشن شده و نور مقدس حضرت بقية الله عجل الله تعالی فرجه الشريف عالم را منور کرده و صبح پیروزی اسلام بر تمام مذاهب جهان طلوع کرده، نامش را «ظهور صغری» باید گذاشت. (ابطحی، بی‌تا: ۱۰-۱۱)

۴. امکان ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف در دوران ما همانند دوران غیبت صغری

این احتمال در واقع وجه متناظر دوران غیبت صغری است که در آن مردم با واسطه وکلا و سفرای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف با ایشان در ارتباط بودند، مسائل خود را مطرح کرده و مشکلات خویش را برطرف می‌نمودند که موارد بسیاری از آن‌ها در منابع معتبر به ثبت رسیده است. در آخرین توقیع امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف به جناب علی بن محمد سمری ره امکان این نحوه از ارتباط تا زمان خروج سفیانی و ندای آسمانی رد شده و مدعیان آن دروغگو و افترا زننده خوانده شدند. در آن توقیع شریف چنین آمده است:

۱. برای مطالعه بیشتر رک: شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت (حجّامی، ۱۳۹۵: ۳۰۵)

... فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جُوراً وَسَيِّئاً شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ أَلَا فَنِ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۱۶)

در معنی کلمه «مشاهده» در توقیع شریف گرچه احتمالات متعددی وجود دارد (۱). مشاهده همراه با ادعا؛ ۲. ادعای سفارت؛ ۳. ادعای حضور امام؛ ۴. شناخت امام در حال دیدار؛ ۵. دانستن محل استقرار امام؛ ۶. دیدار اختیاری امام^۱ ولی احتمال دوم (ادعای سفارت) نظر مشهور علمای شیعه است. (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۶۱)

با این وجود در قرن ۱۳ هجری قمری جریانی انحرافی موسوم به «شیخیه» در حوزه عقائد شیعی و مهدوی شکل گرفت که به نوعی مدعی امکان این گونه از ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف در دوران غیبت کبری بود. از موضوعات جنجال برانگیز در عقاید شیخیه، اعتقاد به «رکن رابع» است... مقصود از رکن رابع، آن است که در میان شیعیان، شیعه کاملی وجود دارد که واسطه فیض امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف و مردم است. طرح «رکن رابع»، موجب اختلاف و انشعاب شیخیه گردید و پس از اندکی، دستاویزی برای ادعای جدید به نام «بابیت» شد. (رضانژاد، ۱۳۸۱: ۲۷۱-۲۷۲) لازم به ذکر این که میان انشعابات شیخیه (کرمانیه، باقریه، شیخیه آذربایجان) در این باور اختلاف عمیقی به چشم می خورد (مولفان، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۳) ولی حداقل گروهی از شیخیه، یعنی شیخیه کرمان، اصول دین را چهار مورد می دانند و مورد چهارم را رکن رابع معرفی می کنند. (همو: ۸۳)

البته در متون شیخیه، تعابیر مختلفی برای این اصطلاح یافت می شود، از جمله نایب خاص، ناطق، امام زمان، نقبا و نجبا، ولایت اولیای الهی، معرفت فقیه، شیعیان کامل و عالم به شریعت، تولی و تبری، قریه ظاهر و... (همو: ۸۴-۸۵) اما برخی از ایشان به صراحت از وجود نائبان خاص در دوران غیبت حضرت سخن می رانند. به عنوان نمونه حاج عبدالرضا خان در **تکریم الاولیاء** آورده است:

این بود آن چه که در این اوراق از حالات نواب خاص امام که معروف و مشهور بودند، خواستم برای مزید بصیرت شما بنویسم و همیشه امثال این بزرگواران تا ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف در میان خلق هستند. (همو: ۸۵-۸۶)

۱. رک کتاب «دیدار در عصر غیبت از نفی تا اثبات»، (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۹۱)

این تفکر انحرافی در سال‌های اخیر نیز با لباسی دیگر رخ نموده و با طرح لزوم وجود «هادی» (کسی که در عصر غیبت صغری با امام عصر ارتباط داشته و به نوعی نائب خاص ایشان است) در عصر غیبت کبری شکل گرفت. (حجّامی، ۱۳۹۵: ۳۳۶) مدعی این تفکر انحرافی می‌گوید:

در آستانه ظهور، حوادث عظیمی که در آخرالزمان رخ می‌دهد، خداوند ابتدا به واسطه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای جامعه، یک هادی قرار می‌دهد و سپس حوادث را به راه می‌اندازد. (همو، ۳۳۸)

۵. گسترش ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ملاقات

ابطحی به نقل از استادش می‌گوید:

تشرّفات و ملاقات‌هایی که کمتر کسی از شیعیان یافت می‌شود که یا خودش در خواب و یا در بیداری و یا در عالم مکاشفه و یا کسی که مورد وثوق او است، برایش حاصل نشده باشد، ظهور کرده... و خلاصه همه و همه آنها دلیل بر این است که آن چنان که خورشید در وقت طلوعش يك ساعت و نیم الی دو ساعت هوا را روشن می‌کند و نامش را طلوع فجر می‌گذاریم، همچنین این زمان که کاملاً هوا روشن شده و نور مقدّس حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف عالم را منور کرده و صبح پیروزی اسلام بر تمام مذاهب جهان طلوع کرده، نامش را «ظهور صغری» باید گذاشت. (ابطحی، بی تا: ۱۰-۱۱)

۶. ظهور محدود و نافراگیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از خروج سفیانی و ندای آسمانی

این احتمال، معنایی است که مستند به روایات بوده و برخی از پژوهشگران عرصه مهدویت نیز به آن اذعان دارند. به نظر ایشان روایات دلالت دارد که نهضت و انقلاب مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدت ۱۴ ماه کامل می‌گردد، در شش ماه اول، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در اضطراب و نگرانی به سر می‌برد و حوادث را به طور نهان، توسط یاران رهبری می‌کنند و در هشت ماه بعدی در مکه ظهور می‌کنند و رهسپار مدینه و آن‌گاه راهی عراق و قدس می‌گردد و با دشمنان خود وارد نبرد می‌شود، جهان اسلام را به طور یکپارچه تحت فرمان و اطاعت خود در می‌آورد. (کورانی، ۱۳۸۳: ۲۷۷) پیش از نهضت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو حادثه رخ می‌دهد که آن دو به منزله نشانه‌ای الهی است که آن حضرت آمادگی لازم را جهت ظهور مقدس خویش آغاز می‌نماید. (همو) پس از این دو نشانه یعنی خروج سفیانی در ماه رجب و ندای آسمانی در ماه رمضان، تا زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه محرم، نزدیک ۶ ماه باقی است. (همو: ۲۸۲) در منابع شیعه این شش ماه را مرحله ظهور غیر علنی بعد از غیبت کبری، قلمداد می‌کنند

و مراد از روایت امیرمومنان عَلَيْهِ السَّلَام که «ظاهر شدن او اندکی ابهام آمیز است تا این که نام و یادش همه جا را فرا گرفته، آن گاه ظهور می کند» این است که در آغاز، امام عَلَيْهِ السَّلَام به تدریج ظهور می کند و آن گاه مسئله ظهور برای مردم روشن و آشکار می گردد. (همو: ۲۸۳) به گفته برخی دیگر نیز بنابر بعضی از روایات ظهور اصغر حضرت، همراه با گونه ای از خفاء و پنهانی همانند غیبت صغری است که به هنگام صیحه آسمانی در اول رجب آغاز می شود چرا که در توقیع شریف نائب چهارم علی بن محمد سمری ندای آسمانی (و خروج سفیانی) غایت و منتهای غیبت کبری قرار داده شده است. این ظهور در کوفه خواهد بود سپس حضرت پنهانی به حجاز خواهند رفت. (سند، ۱۳۹۴: ۴۴) علامه الصغیر نیز پس از نامگذاری ظهور صغری به «ظهور اولی» در برابر «ظهور ثانوی»، بر این مطلب تاکید می کند. (الصغیر، ۱۴۳۲ق: ج ۲، ۳۷۶)

نقد احتمالات فوق و مستندات احتمال اخیر

تمامی احتمالات گذشته جز احتمال اخیر که ما به دنبال تایید آن هستیم، برداشت هایی صرفاً ذوقی و سلیقه ای است که فاقد مستندات لازم برای اثبات است. اینک شایسته است به مستندات احتمال اخیر پرداخته شود:

اول: روایاتی که دال بر ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام بعد از خروج سفیانی و صیحه آسمانی اند

الف) توقیع حضرت به نائب چهارم

حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُكْتَبِ قَالَ: كُنْتُ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ فِي السَّنَةِ الَّتِي تُؤَقَّى فِيهَا الشَّيْخُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ فَحَضَرْتُهُ قَبْلَ وَقَاتِهِ بِأَيَّامٍ فَأَخْرَجَ إِلَى النَّاسِ تَوْقِيعاً نُسَخَتْهُ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلْ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَقَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جُوراً وَسَيِّئَاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمُشَاهَدَةَ إِلَّا فَنِي ادْعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ - قَالَ فَنَسَخْنَا هَذَا التَّوْقِيعَ وَخَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ السَّادِسُ عُدْنَا إِلَيْهِ وَهُوَ يَجُودُ بِنَفْسِهِ فَقِيلَ لَهُ مَنْ وَصِيكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ اللَّهُ أَمْرُهُو بِالْغُهِ وَمَضَى. رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَهَذَا آخِرُ كَلَامٍ سَمِعَ مِنْهُ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۱۶)

در معنی کلمه «مشاهده» در توقیع شریف گرچه احتمالات متعددی وجود دارد (۱). مشاهده همراه با ادعا ۲. ادعای سفارت ۳. ادعای حضور امام ۴. شناخت امام در حال دیدار ۵. دانستن

محل استقرار امام ۶. دیدار اختیاری امام)^۱ ولی احتمال دوم (ادعای سفارت) نظر مشهور علمای شیعه است. (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۶۱)

این مشاهده مشروط به تحقق خروج سفیانی و ندای آسمانی شده است. بنابراین بعد از تحقق این دو نشانه، امام غایب قابل مشاهده خواهد بود. این دو نشانه یعنی خروج سفیانی در ماه رجب و ندای آسمانی در ماه رمضان، تا زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ماه محرم، نزدیک ۶ ماه باقی است. (کورانی، ۱۳۸۳: ۲۸۲) بنابراین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از ظهور فراگیر و علنی خود در ماه محرم، حدود ۶ ماه ظهور خفی خواهد داشت و برای عده‌ای قابل رویت بوده و امکان ارتباط مردم با ایشان از طریق وکلا و نمایندگانی فراهم است.

کورانی می‌نویسد:

ظاهراً منظور از مدعی مشاهده امام عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از وقوع این دو حادثه، کسی است که ادعای نمایندگی صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشته باشد نه صرف شرفیابی و به حضور ایشان رسیدن بدون ادعای نمایندگی و یا بدون سخن گفتن درباره آن. روایات زیادی از سوی عده‌ای از علما و اولیا مورد اعتماد و شایسته درباره دیدار با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است و شاید همین، سبب تعبیر نمودن به جمله نفی مشاهده باشد نه نفی رویت. نوشته مبارک امام عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد بر این که غیبت کبری با خروج سفیانی و صیحه آسمانی پایان می‌پذیرد و غیبت بعد از آن شبیه به غیبت صغری بوده و مقدمه ظهور می‌باشد. (کورانی، ۱۳۸۳: ۲۸۳)

البته ممکن است کسی مدعی شود با توجه به این که توقیع شریف سه فقره قابل استدلال دارد که با هم پیوند دارند و فقرات بعدی باید در سایه فقرات قبل معنی شوند؛^۲ مراد از مشاهده در توقیع شریف، حضور و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد که در این صورت اشاره به هنگامه ظهور داشته نه زمانی پیش از آن.

می‌توان این سخن را این‌گونه پاسخ گفت که اولاً؛ تعبیر حضرت مشاهده است و اگر مراد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور بود تعبیر به ظهور می‌فرمود چنان‌چه در روایات متعدد از حضور نهایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر به ظهور شده است. ثانیاً؛ این مشاهده مشروط به دو نشانه از نشانه‌های

۱. رک کتاب «دیدار در عصر غیبت از نفی تا اثبات»، (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۴۸-۱۹۱)

۲. قَاجَمَعُ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِلُ إِلَى أَحَدٍ بِقَوْمٍ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جُوراً وَ سَيَأْتِي شَيْعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمُشَاهَدَةَ الْأَقْمَنِي ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهَوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ.

حتمی ظهور است در حالی که در روایات صحیح تاکید بر وقوع همگی آن‌ها قبل از حضور نهایی شده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۳۱۰)^۱ البته در لسان روایت، «خمس علامات قبل قیام القائم» آمده نه «قبل ظهوره» ولی در مباحث مقدماتی بر این نکته تاکید شد که قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چند پس از ظهور باشد فاصله چندانی با ظهور ندارد از این رو تفسیر قیام به ظهور دور از واقعیت نیست.

بنابراین مراد از این مشاهده، حضور نهایی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست بلکه ظهور خفی و محدود حضرت برای فراهم آوردن مقدمات قیام نهایی است.

اشکال

طبق نظر مشهور خروج یا ظهور سفیانی در ماه رجب سال منتهی به ظهور خواهد بود و صیحه آسمانی در ماه رمضان همان سال. سوال این است که اگر ندای آسمانی که پس از گذشت دو ماه از خروج سفیانی اتفاق می‌افتد، در امر ظهور موضوعیت داشته و دخیل باشد (به عنوان علامت نه شرط) ذکر این علامت به تنهایی کافی است و نیازی به ذکر خروج سفیانی نیست و اگر در امر ظهور دخیل نباشد، به ذکر خروج سفیانی باید اکتفا شود. بنابراین ذکر هر دو علامت صحیح به نظر نمی‌رسد؟

جواب

مطابق برخی روایات تنها خروج سفیانی می‌تواند علامت تامی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد^۲ و اما ذکر علامت‌های دیگر مانند صیحه آسمانی یا به دلیل آن است که برخی از علامت‌ها مانند سفیانی برای همه قابل تشخیص نبوده یا برای برخی مورد تردید باشد، در حالی که ندای آسمانی نشانه‌ای عام و فراگیر است که همگان آن را درک خواهند کرد^۳ و یا به دلیل آن است که این نشانه‌ها به نوعی نسبت به یکدیگر هم نشانه‌اند و همدیگر را تایید و تثبیت می‌کنند. یعنی ندای آسمانی که از پس خروج سفیانی باشد، علامت قابل اعتماد و خروج سفیانی که پس از آن ندای آسمانی باشد، علامت واقعی است. ضمن این که این اشکال تنها

۱. عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عجل الله تعالی فرجه الشریف يَقُولُ خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ - الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِي وَ الْخَسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِّيَّةِ وَالْيَمَانِي.

۲. وَكَفَاكُمْ بِالسُّفْيَانِي عَلَامَةً (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۸، ۲۶۴ ح ۳۸۱).

۳. فَيَسْمَعُ مِنَ الْمَشْرِقِ وَمِنَ الْمَغْرِبِ: فَيُومِنُ أَهْلُ الْأَرْضِ إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ؛ فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا يَسْمَعُ الصَّيْحَةَ؛ عَامٌ يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ. (زمانی، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۱۲۶)

متوجه این دو علامت نیست و نسبت به علامت‌های دیگر نیز قابل طرح است.

ب) روایت حذلم بن بشیر

وَرَوَى حَذْلَمُ بْنُ بَشِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَرَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى صِفْ لِي خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ وَعَرِّفْنِي دَلَالَتَهُ وَعَلَامَاتِهِ فَقَالَ يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ يَقَالُ لَهُ عَوْفُ السُّلَمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَيَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيتٌ وَقَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقٍ ثُمَّ يَكُونُ خُرُوجُ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدٍ ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِي الْأَبَاسِ وَهُوَ مِنْ وَلَدِ عُثْبَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ فَإِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ ثُمَّ يَخْرُجُ بَعْدَ ذَلِكَ. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۳)

از این روایت این‌گونه به نظر می‌رسد که امام عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَرَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى پس از خروج سفیانی، ظاهر می‌شود سپس تا هنگام ظهور وعده داده شده خود در ماه محرم، پنهان می‌گردد. (کورانی، ۱۳۸۳: ۲۸۴)

اشکال

ممکن است گفته شود که این فقره از روایت: «فَإِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ» (وقتی سفیانی ظاهر گردد مهدی پنهان می‌شود) نه تنها دلالت بر مدعای شما ندارد بلکه با سخنان پیشین شما نیز در تعارض است.

پاسخ

تعبیر به اختفی این نکته را می‌رساند که حضرت پیش از اختفا ظاهر بوده است و البته این بدین معنی نیست که ظهور حضرت پیش از ظهور سفیانی باشد چرا که ممکن است ابتدا سفیانی ظاهر شود و سپس مهدی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَرَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى ظهور کند و پس از آن مخفی شود. مضاف بر این که «اختفاء» غیر از «غیبت» است و با ظهور هم سازگاری دارد. به بیان دیگر در صورتی این روایت با ادعای پیش گفته (اذا ظهر السفیانی ظهر المهدی) در تهافت و تعارض است که عبارت این باشد: «اذا ظهر السفیانی غاب المهدی» در حالی که عبارت این‌گونه است: «اذا ظهر السفیانی اختفی المهدی».

ج) روایت ابی بصیر

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَرَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى قَالَ... وَلَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَنَادِيَ بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ

السَّمَاءِ فِي لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ قُلْتُ بِمَ يَنَادَى قَالَ بِاسْمِهِ وَ
اسْمِ أَبِيهِ أَلَا إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانًا قَائِمًا أَلِ مُحَمَّدٍ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا فَلَا يَنْبَغِي شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ
فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا يَسْمَعُ الصَّيْحَةَ فَتَوْقُظُ النَّائِمُ وَيَخْرُجُ إِلَى صَحْنِ دَارِهِ وَتُخْرَجُ الْعُدْرَاءُ مِنْ
خُدْرَاهَا وَيَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَهِيَ صَيْحَةُ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (الغيبه نعماني، ۲۸۹: ح ۶)

در روایت بالا خروج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مقید و مغیی به ندای آسمانی در شب ۲۳ ماه
رمضان شده است و در بخش پایانی روایت به صراحت از خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام شنیدن
صیحه جبرئیل یاد شده است. ضمناً تردید در مورد این که صیحه جبرئیل شاید همان ندای
آسمانی ماه رمضان نباشد، روا نیست چرا که روایات بی شماری بر این نکته تأکید دارند که
صیحه و ندای آسمانی که در ۲۳ ماه رمضان به گوش می رسد، ندای جبرئیل است. (زمانی،
۱۳۸۹: ۸۶)

بنابراین روایت بالا از نظر دلالت تمام است ولی از جهت سند به دلیل وجود محمد بن علی
الکوفی (ابوسمینه الصیرفی) ضعیف است. (خویی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۷، ۳۱۹)

د) روایت عیص بن القاسم

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَمِعْتُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عجل الله تعالی فرجه الشریف يَقُولُ... فَوَاللَّهِ مَا صَاحِبُكُمْ إِلَّا مَنْ اجْتَمَعُوا عَلَيْهِ إِذَا كَانَ رَجَبٌ فَأَقْبِلُوا
عَلَى اسْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ تَتَأَخَّرُوا إِلَى شَعْبَانَ فَلَا ضَيْرَ وَإِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ تَصُومُوا
فِي أَهَالِكُمْ فَلَعَلَّ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى لَكُمْ وَكَفَاكُمْ بِالسُّفْيَانِي عِلَامَةً. (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۸، ۲۶۴ ح ۳۸۱)

امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: صاحب الامر شما کسی است که گرد او را بگیرند. ماه رجب بسم
الله بگوئید و حرکت کنید، تا ماه شعبان هم تاخیر بیندازید باکی نیست، اگر خواستید ماه
رمضان در وطن بمانید و روزه بگیرید که توان بیشتری داشته باشید باز هم مانعی نیست،
بعد حرکت کنید و خود را به مکه برسانید. (خروج) سفیانی برای شما علامتی کافی است.

سند این روایت صحیح و به تعبیر علامه مجلسی رحمته الله علیه حسن است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۶، ۲۵۷) چراکه تمام روات آن از کلینی تا عیص بن القاسم همگی از بزرگان و اجلاء هستند.
صفوان بن یحیی در سند حدیث از اصحاب اجماع است که «اجمعت العصابة علی تصحیح ما
یصح عنهم»^۱ (طوسی، بی تا: ج ۲، ۸۳۰) و «انهم لایرون ولا یرسلون الا عن ثقة»^۱ (طوسی،

۱. تسمیة الفقهاء من أصحاب أبی إبراهیم وأبی الحسن الرضا عليهما السلام: أجمع أصحابنا علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء

(۱۴۱۷: ج ۱، ۱۵۴)

از این روایت استفاده می‌شود که با خروج سفیانی که در ماه رجب واقع می‌شود، امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف ظاهر می‌شوند و از این رو حضرت شیعیان را به حرکت فرا می‌خواند. علامه مجلسی رحمته‌الله و ملا صالح مازندرانی رحمته‌الله در شرح این حدیث نیز ابتدا چنین برداشتی را دارند و مطلب گفته شده را ظاهر حدیث شریف می‌دانند هر چند به دلیل رسوخ دیدگاه ظهور امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در ماه محرم، پذیرفتن آن بر ایشان گران آمده لذا در صدد توجیه آن برآمده‌اند. علامه مجلسی می‌فرماید:

قوله عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف: «إذا كان رجب» ظاهره أن خروج القائم عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف يكون في رجب ويحتمل أن يكون المراد أنه مبدأ ظهور علامات خروجه، فأقبلوا إلى مكة في ذلك الشهر، لتكونوا شاهدين هناك عند خروجه، ويؤيد ذلك توسعته عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، وتجويز التأخير إلى شعبان وإلى رمضان... (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ۲۵۸-۲۵۹)؛

ظاهر قول امام صادق عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف که فرمود «اذا كان رجب» آن است که خروج قائم عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در ماه رجب خواهد بود و احتمال دارد که مراد آن باشد که ماه رجب مبدأ ظهور علامات ظهور امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است پس در رجب به سوی مکه حرکت کنید، تا به هنگام ظهورش از شاهدین آن باشید. این احتمال را توسعه امام عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و تجویز تاخیر تا شعبان و رمضان تایید می‌کند...

ملا صالح مازندرانی نیز می‌نویسد:

(إذا كان رجب فاقبلوا على اسم الله عزوجل) أي فاقبلوا إلينا مع اسم الله عزوجل أو متبركين به فعلى للمصاحبة كمع أو بمعنى الباء ولم يرد أن ظهوره عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف في رجب بل أراد أن فيه بعض علامات ظهوره كخروج السفیانی ونحوه من الامور الغريبة الدالة على قرب ظهوره ومن ثم قيل «عش رجبا ترى عجا» ويؤيده آخر الحديث وخبر سدير فلا ينافي ما رواه الصدوق في كمال الدين باسناده عن أبي جعفر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف قال يخرج القائم يوم السبت يوم عاشورا الذي قتل فيه الحسين عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۱۲، ۳۴۹)؛

و تصدیقهم و آقروا لهم بالفقه والعلم: وهم ستة نفر آخر دون الستة نفر الذين ذكرناهم في أصحاب أبي عبد الله عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، منهم يونس بن عبد الرحمن، وصفوان بن يحيى بياغ السابري، ومحمد بن أبي عمير، وعبد الله بن المغيرة، والحسن بن محبوب، وأحمد بن محمد بن أبي نصر.

۱. وإذا كان أحد الراويين مسندا والآخر مرسلا، نظر في حال المرسل، فان كان ممن يعلم أنه لا يرسل الا عن ثقة موثق به فلا ترجح لخبر غيره على خبره، ولأجل ذلك سوت الطائفة بين ما يرويه محمد بن أبي عمير وصفوان بن يحيى، و أحمد بن محمد ابن أبي نصر وغيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنهم لا يروون ولا يرسلون الا عن يوثق به وبين ما أسنده غيرهم، ولذلك عملوا بمراسيلهم إذا انفردوا عن رواية غيرهم.

«اذا كان رجب فاقبلوا على اسم الله عزوجل» یعنی در ماه رجب با نام خدا یا با تبرک جستن به نام خدا به سوی ما بشتابید، اما روایتی دال بر ظهور امام در ماه رجب وارد نشده است. بنابراین مراد حضرت آن است که بعضی علامات ظهور مانند خروج سفیانی و نحو آن در ماه رجب خواهد بود... از این رو این حدیث با آن چه صدوق ره در کمال الدین روایت کرده مبنی بر این که قائم در روز عاشورا خروج خواهد کرد، منافاتی ندارد.

هـ، روایت ابی رومان

حَدَّثَنَا نَعِيمٌ، حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ وَرَشْدِينَ عَنْ ابْنِ لُيْعَةَ عَنْ أَبِي قَبِيلٍ عَنْ أَبِي رُومَانَ عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ: «إِذَا نَادَى مُنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ، وَيَشْرَبُونَ حَبَّهُ، فَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ» (ابن طاووس، ۱۴۱۶ ق: ۱۲۹، ح ۱۳۶)؛ زمانی که ندای آسمانی بر آید که حق در آل محمد است نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر زبان مردم ظاهر و جاری خواهد شد به گونه ای که لحظه ای از ذکر او غافل نشده و غیر او را نخوانند.

در این روایت هر چند بر ظهور نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر زبان مردم تأکید شده ولی می توان مدعی شد که ظهور نام حضرت به دلیل ظهور هر چند محدود ایشان بوده است چنان چه در روایت بعد آن جا که می فرماید: «يَظْهَرُ فِي شُبْهَةِ لَيْسْتَيْنِ، فَيَعْلُو ذِكْرُهُ...» بدین نکته اشاره رفته است. البته چنان چه گذشت ممکن است در سند این روایت خدشه وارد شود.

و، روایت مفضل

الْحُسَيْنُ بْنُ حَمْدَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَعَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ الْفَرَاتِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ عجل الله تعالی فرجه الشریف هَلْ لِلْمَأْمُولِ الْمُتَنَظِّرِ الْمَهْدِيُّ عجل الله تعالی فرجه الشریف مِنْ وَقْتٍ مَوْقَتٍ يَعْلَمُهُ النَّاسُ؟ فَقَالَ: «حَاشَ لِلَّهِ أَنْ يَوْقَتَ ظُهُورُهُ يَوْقَتَ يَعْلَمُهُ شِيعَتُنَا»... قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَدْرِي 'ظُهُورُ الْمَهْدِيِّ عجل الله تعالی فرجه الشریف وَإِلَيْهِ التَّنْسِلِيمُ؟ قَالَ: «يَا مُفَضَّلُ يَظْهَرُ فِي شُبْهَةِ لَيْسْتَيْنِ، فَيَعْلُو ذِكْرُهُ، وَيَظْهَرُ أَمْرُهُ، وَيَنَادِي بِاسْمِهِ وَكُنْيَتِهِ وَنَسَبِهِ، وَيَكْثُرُ ذَلِكَ عَلَى أَفْوَاهِ الْمُحَقِّقِينَ وَالْمُتَوَافِقِينَ وَالْمُخَالَفِينَ، ... (حلی، ۱۴۲۱: ۴۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۳، ۳)

مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف سوال کردم آیا برای (ظهور) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی تعیین شده تا مردم آن را بدانند؟ فرمود: خداوند ابا دارد که برای ظهور

۱. در بعضی نسخ این گونه آمده است: فکیف بدء ظهور المهدي... (بحار الانوار، ج ۵۳، ۳)

وقتی تعیین کند.... مفضل پرسید: پس چگونه ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بدانند؟ فرمود: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خفا ظاهر می‌شود تا اوضاع را بررسی کند، پس یارش اوج گیرد و امرش ظاهر گردد و به نام و کنیه و نسبش ندا داده شود و نامش بر زبان دوستان و دشمنانش بسیار برده شود.

مراد از «ظاهر شدن او اندکی ابهام‌آمیز است تا این که نام و یارش همه جا را فرا گرفته، آن‌گاه ظهور می‌کند» این است که در آغاز، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به تدریج ظهور می‌کند و آن‌گاه مسئله ظهور برای مردم روشن و آشکار می‌گردد. (کورانی، ۱۳۸۳: ۲۸۳) ضمن این که در این روایت به صراحت از دو ظهور سخن می‌گوید (يُظْهِرُ فِي شُبْهَةِ لَيْسَتَيْنِ، فَيَعْلُو ذِكْرُهُ، وَ يَظْهَرُ أَمْرُهُ) که می‌توان اولی را ظهور صغری و دومی را ظهور کبری دانست چنان‌چه بعد از ظهور دوم عبارتی آمده است که این نکته را تایید می‌کند:

وَيَأْدَى بِأَسْمِهِ وَكُنْيَتِهِ وَنَسَبِهِ، وَيَكْثُرُ ذَلِكَ عَلَى أَفْوَاهِ الْمُحَقِّقِينَ وَالْمُبْطِلِينَ، وَالْمُؤَافِقِينَ وَالْمُخَالِفِينَ...

به نظر می‌رسد اگر دلالت این حدیث را بپذیریم سند حدیث قابل قبول نیست زیرا اولاً حسن بن سلیمان حلی این روایت را به صورت مرسل از حسین بن حمدان نقل می‌کند. ثانیاً به دلیل وجود افراد ضعیف مانند حسین بن حمدان و ابی شعیب و مجهول مانند محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله، از اعتبار ساقط است.^۱

دوم: اقدامات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شش ماه پایانی منتهی ظهور نهایی

در روایات متعدد اقدامات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شش ماه پایانی منتهی به قیام جهانی

۱. سند روایت در کتاب بحار الانوار این گونه آمده است: روی فی بعض مولفات اصحابنا، عن الحسین بن حمدان، عن محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله الحسینی، عن الب شعیب و محمد بن نصیر، عن عمر بن الفرات.... اما در مورد سند گفته شده: الحسین بن حمدان الحضینی (الخصیبی) الجنبلاتی، قال شیخنا المجیز العلامة الشیخ آغا بزرگ الطهرانی فی طبقات الشیعة فی القرن الرابع: فاسد المذهب له کتب فیها تخلیط، هكذا ذکره النجاشی و الطوسی فی الفهرست، سمع منه التلعکبری فی داره بالكوفة سنة ۳۴۴ و له منه إجازة، ذکره الطوسی فی کتاب الرجال فی باب من لم یرو عنهم علیهم السلام و کتابه «الهدایة» فی تاریخ الأئمة موجود، و ترجم له ابن داود، و ذکر أن وفاته كانت فی ربيع الأول (۳۵۸) و أرخ وفاته فی تاریخ العلویین (۳۴۶) «الحسنیان» الظاهر أنه صفة الزاوییین، و فی البحار: «الحسینی» بلفظ المفرد، و علی ای نحو کان لم أظفر علی ترجمة لهما. فی البحار: عن أبی شعیب و محمد بن نصیر، و أبو شعیب مجهول و أما ابن نصیر فهو النمیری الکذاب الغال الخبیث المدعی للنبیة علی ما فی غیبة الشیخ. عمر بن الفرات: کاتب بغدادی، عدّه الشیخ فی رجاله من أصحاب الرضا علیه السلام، و قال فی وصفه: «غال»، و قال الکفعمی فی «المصباح» الفصل ۴۲ کان عمر بن فرات بوابا للرضا علیه السلام، لو ثبت ذلك لم تکن فیہ دلالة علی الحسن فضلا عن الوثاقة.

تصویر شده و این اقدامات لاجرم با ظهور امام تلازم دارد و در عین حال قبل از قیام نهایی ایشان در ماه محرم سال ظهور صورت می پذیرد.

اشکال

این استدلال زمانی درست است که اثبات شود محرم زمان ظهور است نه خروج و قیام. بنابراین اگر محرم زمان خروج و قیام حضرت باشد با توجه به مبناي جدا بودن ظهور و قیام، مرحله پیش از آن ظهور خواهد بود نه ظهور صغری.

پاسخ

اشکال بالا با توجه به مبانی که در مقدمه بیان شد قابل پذیرش نیست. زیرا اولاً در ماه محرم ظهور واقع می شود نه قیام. ثانیاً ظهور پس از تحقق تمام علائم رخ خواهد داد بنابراین اگر قیام در ماه محرم رخ دهد و ظهور پیش از آن باشد، یا ظهور پیش از تحقق علائم رخ می دهد که قابل قبول نیست یا پس از آن که در این صورت نیز فاصله ای تا ماه محرم و زمان قیام باقی نیست. ثالثاً نمی توان ظهور نهایی و قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از هم جدا دانست. بنابراین اگر ادله ای دال بر تحرکات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش از ماه محرم در دست باشد، این به معنی ظهور اصغر است نه ظهور نهایی.

الف، خروج امام مهدی از مدینه پس از ظهور سفیانی

این خروج مصادف با ورود سپاه سفیانی به مدینه است که ظاهراً در ماه رمضان سال ظهور (کورانی، ۱۳۸۳: ۳۰۰) یا بنابر برخی روایات در روزهای پایانی منتهی به ظهور خواهد بود. مطابق برخی روایات، سفیانی لشکری برای جستجوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گسیل داشته و ایشان به همراه فردی به نام منصور یا مبیض از مدینه خارج می شود. این روایت نشان می دهد که سفیانی، حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دریافته و برای جلوگیری از به قدرت گرفتنش قصد خفه کردن انقلاب را در نطفه دارد:

روایت اول:

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَتَى فَرَجُ شِيعَتِكُمْ قَالَ فَقَالَ إِذَا اخْتَلَفَ وَلَدُ الْعَبَّاسِ وَوَهَى سُلْطَانُهُمْ وَطَمَعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَظْمَعُ فِيهِمْ وَخَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْنَاقَهَا - وَرَفَعَ كُلُّ ذِي صِيصِيَةٍ صِيصِيَتَهُ وَظَهَرَ الشَّامِيُّ وَأَقْبَلَ الْيَمَانِي وَتَحَرَّكَ الْحَسَنِيُّ وَخَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ

الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ مَا تَرَاثُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ وَدِرْعُهُ وَعِمَامَتُهُ وَبُرْدُهُ وَقَضِيْبُهُ وَرَأْيَتُهُ وَلَامَتُهُ وَسِرْجُهُ حَتَّى يَنْزَلَ مَكَّةَ فَيُخْرِجَ السَّيْفَ مِنْ غِمْدِهِ وَيَلْبَسَ الدِّرْعَ وَيَنْشُرَ الرَّايَةَ وَالْبُرْدَةَ وَالْعِمَامَةَ وَيَتَنَاوَلَ الْقَضِيْبَ بِيَدِهِ وَيَسْتَأْذِنَ اللَّهَ فِي ظُهُورِهِ فَيُطْلِعَ عَلَى ذَلِكَ بَعْضُ مَوَالِيهِ فَيَأْتِي الْحُسَيْنَ فَيُخْبِرُهُ الْخَبَرَ فَيَبْتَدِرُ الْحُسَيْنَ إِلَى الْخُرُوجِ فَيُثْبِتُ عَلَيْهِ أَهْلَ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَيَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِ فَيُظْهِرُهُ عِنْدَ ذَلِكَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَيَبَايِعُهُ النَّاسُ وَيَتَّبِعُونَهُ وَيَبْعَثُ الشَّامِيُّ عِنْدَ ذَلِكَ جَيْشاً إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَهْلِكُهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دُونَهَا وَيَهْرُبُ يَوْمَئِذٍ مَنْ كَانَ بِالْمَدِينَةِ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَكَّةَ فَيَلْحَقُونَ بِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ وَيَقْبِلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَيَبْعَثُ جَيْشاً إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمَنُ أَهْلُهَا وَيَرْجِعُونَ إِلَيْهَا؛

يعقوب سراج می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم فرج شیعیان شما کی خواهد بود؟ فرمود: زمانی که... شامی (سفیانی) ظاهر شود و یمانی اقبال کرده و حسنی حرکت کرده و صاحب این امر از مدینه به مکه با تراث رسول خدا خارج گردد... پس در مکه فرود آید و از خدا در ظهورش اذن خواهد پس بعض موالیان حضرت بر ورود ایشان اطلاع یابند پس حضرت نزد حسنی آید و به او خبر (از ماجرا) دهد پس حسنی اقدام به خروج کند اما مردم مکه بر او شوریده و وی را به قتل می رسانند... پس در این وقت صاحب این امر ظهور می کند و مردم با او بیعت می کنند...

روایت دوم:

... وَيَبْعَثُ الشُّفْيَانِي بَعْثاً إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْفَرُ الْمُتَهْدِي مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ الشُّفْيَانِي أَنَّ الْمُتَهْدِي قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشاً عَلَى آثَرِهِ فَلَا يَدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفاً يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ الشُّفْيَانِي الْبَيْدَاءَ فَيَتَادَى مُتَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ فَلَا يَقْلُتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ يَحُولُ اللَّهُ وَجُوهَهُمْ إِلَى أَقْفَيْتِهِمْ وَهُمْ مِنْ كَلْبٍ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَقْضِيَ وَجُوهاً فَتَرْذُهَا عَلَى أَذْيَارِهَا الْآيَةُ قَالَ وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرُهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيراً بِهِ فَيَتَادَى يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ فَسَنُجَابِئَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ ﷺ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۴۴)

روایت سوم:

عن جابر الجعفی عن أبي جعفر عليه السلام يقول... ويظهر السفیانی ومن معه - حتى لا يكون همه إلا آل محمد ص وشيعتهم، فيبعث بعثاً إلى الكوفة، فيصاب بأناس من شيعة آل محمد بالكوفة قتلاً وصلباً - وتقبل راية من خراسان حتى تنزل ساحل دجلة يخرج رجل

من الموالی ضعیف ومن تبعه، فیصاب بظهر الکوفة، ویبعث بعثاً إلى المدینة فیقتل بها رجلاً ویهرب المهدي والمنصور منها، ویؤخذ آل محمد صغیرهم وکبیرهم لا یتروک منهم أحد إلا حبس - ویخرج الجیش فی طلب الرجلین - ویخرج المهدي منها علی سنة موسی خاتماً یتروّب حتی یقدم مکه وتقبل الجیش حتی إذا نزلوا البیداء وهو جیش المهملات خسف بهم - فلا یفلت منهم إلا مخبر - فیقوم القائم بین الرکن والمقام ... (عیاشی، ۱۳۸۰ ق: ج ۱، ۶۴)^۱

البته در این روایت به جستجوی امام مهدی از طرف سفیانی اشاره ای نشده ولی در روایات نظیر آن این نکته به چشم می خورد.

ب) ارسال نفس زکیه برای بیعت

براساس روایات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جلسه ای که میان یاران خود در مدینه دارند، یکی از ایشان یعنی محمد بن الحسن معروف به نفس زکیه (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۳۳۱) را به عنوان نماینده خود برای بیعت به سوی اهل مکه ارسال می دارند. اهل مکه نه تنها دعوت او را نمی پذیرند بلکه او را بین رکن و مقام مسجد الحرام می کشند. طبق روایات بین قتل نفس زکیه و قیام جهانی حضرت تنها ۱۵ شب فاصله خواهد بود^۲ (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۶۴۹):

وَبِإِسْنَادٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عجل الله تعالی فرجه الشریف فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ إِلَى أَنْ قَالَ: يَقُولُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمُ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يَرِيدُونَنِي وَلَكِنِّي مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأُخْتِجَ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِي أَنْ يُخْتِجَ عَلَيْهِمْ فَيَدْعُوا رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ امْضُ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَقُلْ يَا أَهْلَ مَكَّةَ أَنَا رَسُولُ فَلَانٍ إِلَيْكُمْ وَهُوَ يَقُولُ لَكُمْ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَالْخِلَافَةِ وَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَشَلَالَةُ النَّبِيِّينَ وَإِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَاضْطَهَدْنَا وَفُهِرْنَا وَابْتِزَمْنَا حَقًّا مُنْذُ قُبِضَ نَبِينَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَأَنْصُرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمْ هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتَوْا إِلَيْهِ فَذَبَحُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَهِيَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ فَإِذَا بَلَغَ ذَلِكَ الْإِمَامَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أَخْبَرْتُكُمْ أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يَرِيدُونَنَا فَلَا يَدْعُونَهُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ عَقْبَةِ طَوًى فِي ثَلَاثَةِ عَشْرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ الْبَدْرِ... وَيَبَايِعُهُ الثَّلَاثَةُ وَقَلِيلٌ مِنْ أَهْلِ

۱. نظیر این روایت نیز از کتاب الفتن ابن حماد نقل شده است. و قال: حَدَّثَنَا نعيم، حَدَّثَنَا الوليد و رشدين عن ابن لهيعة عن أبي قبيل عن أبي رومان عن علي، قال: «يبعث السفیانی بجیش إلى المدینة فیأخذون من قدروا علیه من آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، و یقتل من بنی هاشم رجلاً و نساء فعند ذلك یهرب المهدي و المبیض من المدینة إلى مکه فیبعث فی طلبهما و قد لحقا بحرم الله و آمنه». (ابن طائوس، ۱۴۱۶ ق: ۱۲۵)

۲. عَنْ صَالِحٍ مَوْلَى بَنِي الْعَدْرَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عجل الله تعالی فرجه الشریف يَقُولُ لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمٍ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً.

مکه... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۳۰۷)

ج) ارتباط امام عصر عجل الله تعالی فرجه با ۳۱۳ تن و بیعت با ایشان

بر اساس روایات حضرت پیش از ظهور و بیعت علنی با ۳۱۳ تن، با ایشان ارتباط داشته و پس از فرود آمدن از کوه طوی به همراه ایشان ظهور خود را علنی کرده و با ایشان بیعت خواهد کرد:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عجل الله تعالی فرجه أَنَّ الْقَائِمَ عجل الله تعالی فرجه يَهْطُ مِنْ ثَبِيَّةٍ ذِي طَوًى فِي عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا حَتَّى يَسْنِدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَبِهِ الرَّايَةُ الْعَالِيَةُ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عجل الله تعالی فرجه فَقَالَ كِتَابٌ مَنُشُورٌ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۵)

وَبِالْإِسْنَادِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عجل الله تعالی فرجه فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ إِلَى أَنْ قَالَ: يَقُولُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمَ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يَرِيدُونَنِي وَلَكِنِّي مُرْسِلٌ إِلَيْهِمْ لِأَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِيُنْثَلَى أَنْ يَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ فَيَدْعُوا رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ امضْ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَقُلْ يَا أَهْلَ مَكَّةَ أَنَا رَسُولُ فَلَانٍ إِلَيْكُمْ وَهُوَ يَقُولُ لَكُمْ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَمَعْدُنُ الرِّسَالَةِ وَالْخِلَافَةِ وَنَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَسَلَالَةُ النَّبِيِّينَ وَإِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَاصْطَلَهْنَا وَفُهِرْنَا وَابْتُزِمْنَا حَقًّا مُنْذُ قُبِضَ نَبِيْنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَأَنْصُرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمْ هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتَوْا إِلَيْهِ فَذَبَحُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَهِيَ النَّفْسُ الرُّكْبِيَّةُ فَإِذَا بَلَغَ ذَلِكَ الْإِمَامَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخْبِرْتُكُمْ أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يَرِيدُونَنَا فَلَا يَدْعُونَهُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ عَقْبَةِ طَوًى فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ الْبَدْرِ... وَيَبَايِعُهُ الثَّلَاثِمِائَةُ وَقَلِيلٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۳۰۷)

در منابع اهل سنت نیز به بیعت امام عصر عجل الله تعالی فرجه با ۳۱۳ تن در ماه ذی حجه اشاره شده است:

فِي ذِي الْقَعْدَةِ تَحَازَبَ الْقَبَائِلُ، وَعَامَنَدَ يَنْهَبُ الْحَاجَّ، فَتَكُونُ مَلْحَمَةً بِالْمَنَى فَيَكْثَرُ فِيهَا الْقَتْلُ وَتَسْفِكُ فِيهَا الدَّمَاءَ حَتَّى تَسِيلَ دِمَاءُهُمْ عَلَى عَقْبَةِ الْجَمْرَةِ حَتَّى يَهْرَبَ صَاحِبُهُمْ فَيُوقَى بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ فَيَبَايِعُ وَهُوَ كَارِهِ وَيَقَالُ لَهُ: إِنْ أَبَيْنَا ضَرْبَنَا عَنْقَكَ فَيَبَايِعُهُ مِثْلَ عِدَّةِ أَهْلِ الْبَدْرِ، وَيَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ الْأَرْضِ وَسَاكِنُ السَّمَاءِ. (حَاكِمُ نِشَابُورِي، بِي تَا، ج ۴، ۵۰۳؛ مَرْوَزِي، ۱۴۱۴: ۲۱۱؛ زَرْبَنَدِي شَافَعِي، بِي تَا: ۱۹۳)

يُحْجِجُ النَّاسَ مَعًا وَيَعْرِفُونَ (يَرْفُونَ) مَعًا عَلَى غَيْرِ إِمَامٍ، فَيَبِينَا (فَيَبِينَمَا) هُمْ نَزُولُ بَنِي إِذْ أَخَذَهُمْ كَالْكَلْبِ، فَثَارَتِ الْقَبَائِلُ بَعْضُهُمْ (بَعْضُهَا) إِلَى بَعْضٍ فَاقْتَتَلُوا حَتَّى تَسِيلَ الْعَقْبَةُ

دما فیفزعون إلى خیرهم، فیأتونه وهو ملصق وجهه إلى الکعبة یبکی کأَنی أنظر إلى دموعه (تسلی)، فیقولون: هلم ولیناک (فلنبایعک)، فیقول: ویحکم کم (من) عهد قد نقضتموه وکم (من) دم قد سفکتموه، فیبایع کرها، فإن (فاذا) أدركتموه فبایعوه، فإتته المهدي فی الأرض والمهدي فی السماء. (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۰۴؛ مروزی، ۱۴۱۴: ۲۱۱؛ زرنندی شافعی، بی تا: ۱۹۲-۱۹۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۳۴)^۱

د) بیعت با ۴۰ تن دو شب قبل از ظهور

عن عبد الأعلى الجبلی [الحلی] قال: قال أبو جعفر عَلَيْهِ السَّلَام یكون لصاحب هذا الأمر غیبة فی بعض هذه الشعاب، ثم أوماً بیده إلى ناحية ذی طوی، حتی إذا کان قبل خروجه بلبلتین - انتهى المولی الذی یكون بین یدیه - حتی یلقى بعض أصحابه، فیقول: کم أنتم هاهنا فیقولون نخومن أربعین رجلاً، فیقول: کیف أنتم لو قد رأیتم صاحبکم فیقولون: والله لو یاوی بنا الجبال لأویناها معه، ثم یأتیهم من القابلة [القابل] فیقول لهم - أشیروا إلى ذوی أسنانکم وأخیارکم عشیرة - فیشیرون له إلیهم فینطلق بهم حتی یأتون صاحبهم، و یعدهم إلى اللیلة التي تلیها... (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۵۶)

مطابق این حدیث امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دو شب قبل از خروجش غلام خود را به منظور بیعت با ۴۰ تن به سوی ایشان می فرستد. این حدیث نیز به گونه ای می تواند دلالت بر دوران پایانی ظهور اصغر نماید و ظاهراً مقصود از غیبت او در این دوران، غیبت در دوره کوتاهی است که قبل از ظهور واقع می شود. (کورانی، ۱۳۸۳: ۳۰۷)

نتیجه گیری

تفسیر ظهور صغری یا اصغر به شیوع نام امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در دوران معاصر؛ انقلاب اسلامی ایران؛ رشد اقتصادی؛ گسترش ارتباط با امام به صورت ملاقات در عصر حاضر و تعریف ظهور صغری یا اصغر به معنی امکان ارتباط با امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام در عصر غیبت کبری همانند عصر

۱. جالب این که اصل این حدیث نیز در یکی از منابع معتبر شیعی وارد شده است: وَ هَذَا الْإِسْنَادُ (مَا أَخْبَرَنِي بِهِ جَمَاعَةٌ عَنْ الثَّلَاثَةِ) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الرَّازِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنْ الْقُضْلِيِّ بْنِ شاذَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ ظَهْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيَّاشٍ عَنْ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي وَائِلٍ قَالَ تَطَرَّأُمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام إِلَى ابْنِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام فَقَالَ إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدًا وَ سَيُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ تَبِيكُم فَيُشَبِّهُهُ فِي الْخَلْقِ وَ الْخُلُقِ بِخُرُوجِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنَ النَّاسِ وَ إِمَاتَةِ مَنْ الْحَقِّ وَ إِظْهَارِ مَنْ الْجَوْرِ وَ اللَّهُ لَوْ لَمْ يَخْرُجْ لَضَرَبَتْ عُقْبُهُ يَفْرُخُ لَخُرُوجِهِ أَهْلَ السَّمَاءِ وَ سُكَّانَهَا يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا تَمَامَ الْخَبَرِ. (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۸۹)

غیبت صغری، تعریف‌هایی است که یا صرف ادعا بوده و قابل اثبات نیست یا با اصول و مبانی شیعی در معارف مهدوی (عدم امکان ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الکریم در دوران غیبت کبری همانند غیبت صغری) سازگار نیست. در مقابل تفسیر ظهور صغری به معنی «ظهور محدود و نافراگیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم بعد از خروج سفیانی و ندای آسمانی (همانند دوره غیبت صغری)» معنایی است که مستنداتی داشته و قابل دفاع است.

منابع

- ابطحی، سید حسن، ملاقات با امام زمان، بی نا، بی جا، بی تا.
- ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، موسسه صاحب الامر، قم، ۱۴۱۶ق.
- ابن فارس، ابی الحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- اربلی، علی بن عیسی (م/۶۹۲ ق)، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
- اصفهانی، محمد تقی (م/۱۳۴۸ ق)، مکیال المکارم فی فوائد دعاء للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۲۸ق.
- آیتی، نصرت الله، تاملی در نشانه های ظهور، موسسه آینده روشن، قم، ۱۳۹۰.
- پورسیدآقای، سیدمسعود، «سرمقاله»، انتظار، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۰.
- جعفری، جواد، دیدار در عصر غیبت از نفی تا اثبات، موسسه آینده روشن، قم، ۱۳۸۹.
- الحاکم النیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (م/۱۱۰۴ ق)، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۵ق.
- خویی، سید الوالقاسم، معجم رجال الحديث، بی نا، بی جا، ۱۴۱۳ق.
- رضا نژاد، عزالدین، «بسترپیدایش بابیت و بهائیت»، انتظار سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۱.
- زرنندی شافعی، محمد بن یوسف، معارج الوصول الی معرفة فضل آل الرسول، تحقیق: ماجد بن احمد العطیة، بی نا، بی جا، بی تا.
- زمانی، سیدحسن، ندای آسمانی، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۹ش.
- السادة، مجتبی، شش ماه پایانی، ترجمه: محمود مطهری نیا، موعود عصر، تهران، ۱۳۸۳ق.
- سبحانی نیا، محمدتقی، «نظریه تغییر و تاثیر آن در زمینه سازی ظهور»، فصل نامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال سوم شماره یازدهم، پاییز ۱۳۸۸.
- سلیمیان، خدامراد، «تبارشناسی واژگانی ظهور امام مهدی در منابع اسلامی»، فصل نامه مشرق موعود، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵.

- _____، فرهنگنامه مهدویت، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۷ق.
- سند، محمد، الرجعة اعظم علامات الظهور، نشر کوخ، تهران، ۱۳۹۴ق.
- صدر، سید محمد، تاریخ غیبت کبری، ترجمه دکتر سیدحسن افتخارزاده، نیک معارف، تهران، ۱۳۸۲.
- صدر، محمد، تاریخ الغیبة الصغری، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- صدوق، محمدبن علی، کمال الدین وتمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
- الصغیر، جلال الدین علی، علامات الظهور بحث فی فقه الدلالة والسلوک، دارالاعراف للدراسات، بیروت، ۱۴۳۲ق.
- طبرسی، فضل بن حسن (م/ ۵۴۸ ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، سه جلد، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.
- طوسی، محمدبن الحسن، عدة الاصول، تحقیق: محمدرضا انصاری قمی، بی‌نا، قم، ۱۴۱۷.
- _____، اختیار معرفة الرجال، آل البيت، قم، بی‌تا.
- _____، الغیبه، دارالمعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
- _____، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ش.
- عراقی، محمودبن جعفر، دارالسلام در احوالات حضرت مهدی، جمکران، قم، ۱۳۸۳ش.
- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، المطبعة العلمیة، تهران، ۱۳۸۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بی‌جا، موسسه دارالهجرة، ۱۴۰۴ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، موسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
- کاظمی، مصطفی بن ابراهیم، بشارة الاسلام فی علامات المهدی، موسسه عاشورا، قم، بی‌تا.
- کرمی، مرعی بن یوسف، فرائد فوائد الفکر فی الايام المهدی المنتظر علیه السلام، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۲۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲.
- کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳ش.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح کافی، المكتبة الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۲ق.
- متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، موسسه الرسالة،

۱۴۰۹ق.

- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- _____، مرآة العقول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ق.
- مروزی، نعیم ابن حماد، الفتن والملاحم، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- معلی، محمد علی، «ظهور صغری»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۲، مهرماه ۱۳۸۶.
- مفید، محمد بن محمد (م/ ۴۱۳ ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
- _____، المسائل العشر فی الغیبة، دلیل ما، قم، ۱۴۲۶ق.
- مقدسی حنبلی، مرعی بن یوسف، فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدي المنتظر، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۳۸۱ش.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر، انشارات نصایح، قم، ۱۴۱۶ق.
- میرزا آقا جانی کاشانی، نقطة الکاف، بی نا، بی جا، بی تا.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۶ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ترجمه: محمد جواد غفاری، صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
- نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم (م/ ۸۰۳ ق)، منتخب الأنوار المضیئة فی ذکر القائم الحجة عجل الله تعالی فرجه الموعود، مطبعة الخيام، قم، ۱۳۶۰ش.
- یزدی حائری، علی بن زین العابدین، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، اعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- یعقوبی، علی، به سوی ظهور، بی نا، بی جا، بی تا (الف).
- _____، نظام عالم، بی نا، بی جا، بی تا (ب).

